

# وجوه اختلاف قرائت

## ابن کثیر و عاصم

جمیلہ (زیان)\*

### چکیده

خداوند قرآن را همچون دریایی پر از فضایل و نعمت‌ها برای جهانیان قرار داد که هرکس به وسع و توان خود از آن بهرمنند شود. در این میان افرادی چون قراء سبعة به رموزی از رمزهای قرآن دسترسی پیدا کرده و تمام زندگی خود را وقف قرآن و بهره‌گیری از آن قرار دادند. هدف این مقاله آشنایی با علم قراء آت و دو نفر از قراء سبعة یعنی عاصم کوفی و ابن کثیر مدنی و اصول قرائتشان و مقایسه آنها است. کلیدواژه‌ها: علم قراء آت، قراء سبعة، عاصم، ابن کثیر، اصول.

### مقدمه

یکی از دلایل جاودانه بودن دین اسلام عدم تحریف کتاب آسمانی قرآن است که خداوند خود نگهبان اصلی آن می‌باشد (الحجر، ۹/۱۵) و دیگر تلاش بی‌وقفه پیامبر

اسلام (ص) و تشویق و ترغیب مسلمانان در یادگیری و به کارگیری قرآن تا بدانجا که حاملان قرآن را برگزیدگان امت خود معرفی کرد. که از میان این تلاش ها علوم مختلفی از قرآن مانند: علم تفسیر و کلام و تجوید و قراءات به وجود آمد که روز به روز بر عظمت و بزرگی آن افزودند و هرکدام به قله های اوج و شکوفایی رسیده اند که همچون تاجی افتخار بر سر دین مبین اسلام می درخشند. در این مقاله سعی شده است که آشنایی مختصری با یکی از این علوم؛ یعنی: علم قراءات و ۲ تن از نام آوران این عرصه حاصل شود.

### تعریف علم قرائت

علمی که چگونه خواندن کلمات قرآن به صورت اجماع یا اختلاف با نسبت دادن هر وجهی به ناقلش را بررسی می کند. پس موضوع علم قرائات کلمات قرآن کریم است از جهت احوال نطق به آن و کیفیت ادای آنها.<sup>۱</sup> یا قرائت عبارت از طرق و روایات قرآنی است که با اسناد، به ثبوت رسیده تا عمل به آن لازم الاطباع باشد.<sup>۲</sup>

### مراحل پیدایش قرائات

مراحل تغییر و پیشرفت علم قرائات را به مراحل زیر می توان تقسیم کرد:  
مرحله اول: قرائات در زمان پیامبر (ص)؛ و این مرحله دارای مشخصات زیر است.  
الف: منبع قرائات فرشته وحی جبرئیل است.  
ب: معلم اول اصحاب، پیامبر (ص) است و ایشان مرجع تشخیص وجوه قرائات می باشند.

ج: ظاهر شدن گروهی از صحابه که متخصص در قرائت شدند که از آنها هفت قاری است که در بئر معونه کشته شدند همچنین افرادی مانند ابوبکر، عثمان، علی بن ابی طالب، ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود، زید بن ثابت، ابوموسی الأشعری و أبو الدرداء.  
مرحله دوم: قرائات در زمان صحابه؛ و این مرحله از وفات پیامبر (ص) شروع شده و تقریباً تا انتهای نیمه اول قرن اول هجری ادامه دارد. ویژگی های این مرحله:  
الف: بعضی از صحابه و تابعین قرآن را نزد امامان قرائت از صحابه یاد گرفتند.

ب: چند وجه مختلف قرائتی ظاهر شد و نقل با روایت صورت می گرفت .  
ج: عثمان به هریک از سرزمین های اسلامی - مکه ، کوفه ، بصره ، شام و مدینه - یک قاری همراه با مصحفی فرستاد .

مرحله سوم: قرائات در زمان تابعین و تابعین تابعین ؛ این مرحله از نیمه دوم قرن اول هجری شروع شده تا زمان تدوین علوم اسلامی . ویژگی های این مرحله :  
الف: روی آوردن گروه های مردم برای یادگیری قرآن به کسانی که قرآن را با سند قرائت می کردند . و قرائشان موافق با رسم الخط مصحف عثمانی بود .

ب: گروهی به قرآن روی آوردند و توجه خاصی به یادگرفتن و ضبط قرائت کردند تا حدی که توسط امام قرائت شده و دیگران به آنها اقتدا می کردند . از جمله در مدینه نافع بن ابی نعیم - ۱۶۹ - ، در مکه عبدالله بن کثیر - ۱۲۰ - ، در کوفه عاصم بن ابی النجود - ۱۲۹ - ، در بصره أبوعمر و ابن العلاء - ۱۵۴ - در شام عبدالله بن عامر - ۱۱۸ - .

مرحله چهارم: مرحله تدوین ؛ ویژگی های این مرحله :

الف: تدوین اولین کتاب ؛ در این که چه کسی اولین کتاب در علم قرائات را تدوین کرده است ، اختلاف می باشد ؛ گفته شده امام أبو عبید القاسم بن سلام - ۲۲۴ - ، به نظر ابن جزری اولین مؤلف أبو حاتم سجستانی - ۲۲۵ - است . و عده ای گفته اند یحیی بن یعمر - ۹۰ - .

ب: محصور کردن قرائات در قرائت های سبعة - هفت گانه - اولین کسی که این کار را کرد امام ابوبکر محمد بن موسی بن مجاهد بود که به خاطر شهرت علمی زیادی که داشت این قرائت ها سریعاً پیشرفت کردند .

ج: آشکار شدن و متبلور شدن شروط قرائت های صحیح و جدا کردن قرائت های صحیح از شاذ: گفته شده اولین کسی که در باب قرائت های شواذ کتاب نوشته است ابن مجاهد است که نامش الشواذ بوده ولی کتاب مفقود است .

د: استدلال برای قرائت های صحیح در جوانب لغوی - صوتی ، صرفی ، نحوی - .

ه: ادامه پیدا کردن تألیف در قرائت های هفت گانه: مکی بن ابی طالب القیسی دو کتاب به نام های التبصرة و الكشف ، و أبو عمرو الدانی کتاب التیسیر فی القرائات السبع و جامع البیان ، و امام شاطبی آن را به نظم در آورده به نام التیسیر فی حرز الأمانی و وجه

التنهانی - الشاطیبه - .

و: مرحله خصوصی کردن هر یک از قرائات در تالیف؛ مانند کتاب النشر فی القرائات العشر این الجزری و منظومه اش النشر فی القرائات العشر .  
مرحله پنجم: دوران معاصر؛ علم قرائت با پشت سر گذاشتن دوره ای رکود در این عصر رونق و رواجی نو پیدا کرده است. و در کنار تحقیقات و تالیفات محققین شبکه های رادیویی و ماهواره ای مخصوص قرآن شروع به کار کرده است. انجمن های و دانشگاه هایی برای نشر قرآن و علوم قرآنی پدید آمده است. از میان قرائات هفت گانه روایت حفص از عاصم در بیشتر دولت های اسلامی مخصوصا در شرق منتشر شده است.<sup>۳</sup>

### عوامل پیدایش اختلاف قرائات

نازل شدن قرآن به احرف سبعة: أصحاب، قرآن را از پیامبر (ص) به صورت شفاهی می گرفتند. بعضی از آنها با یک وجه و بعضی با دو وجه و یا وجوهی بیشتر. سپس آنها در سرزمین های اسلامی پراکنده شدند و این اختلافات به تابعین هم منتقل شد تا زمان امامان مشهور قرائات که قرائت ها را ضبط و تدوین کردند. پس اختلاف در حدود سبعة احرف است که قرآن براساس آن نازل شده است.<sup>۴</sup>

مراد از احرف سبعة هفت وجه است در کلمه ای واحد که لفظ در آنها مختلف می شود در حالی که معانی به هم نزدیک یا یکسان هستند. مثل: هلم، اقبل، تعالی، إلی، قصدی، نحوی، قریبی این کلمات با این که الفاظشان مختلف است ولی همه آنها معنای اقبل را دارند. البته این بدان معنا نیست که کل کلمات قرآن دارای این ۷ وجه باشند بلکه تعدادی از کلمات قرآنی دارای یک معنا و ۷ لغت می باشند.<sup>۵</sup>

در مورد نازل شدن قرآن به احرف سبعة احادیثی معتبر موجود است از آن جمله: «قال رسول الله (ص): «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ أَنْزَلَ عَلَيَّ سَبْعَةَ أَحْرَفٍ فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ».<sup>۶</sup>  
این حدیث متواتر است و جمعی از صحابه آن را روایت کرده اند؛ مانند: اُبی بن کعب، انس، حذیفة بن الیمان، زید بن ابی ارقم، سمرة بن جندب.

در این که منظور از احرف سبعة چیست؟ نظرات مختلفی بیان شده است:

۱. نظر ابن قتیبة: در وجوه اختلاف در قرائت ها تعمق کردم پس آن را بر ۷ وجه یافتم:

اول: اختلاف در اعراب کلمه یا در حرکت بنائی اش با ثابت بودن لفظ و بدون تغییر معنا. مانند: «هُؤْلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ» (هود، ۷۸/۱۱)، «أَطْهَرُ - أَطْهَرُ».

دوم: اختلاف در اعراب کلمه و حرکت بنائی اش به صورتی که هم معنا و هم لفظ تغییر می کند. مانند: «رَبَّنَا بَعْدَ بَيْنِ أَسْفَارِنَا» به جای «رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا» (سبأ، ۱۹/۳۴). سوم: این که اختلاف به صورتی است که لفظ تغییر می کند ولی معنا یکسان است مانند: «كَالصُّوفِ الْمَنْفُوشِ» به جای «كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ» (القارعة، ۵/۱۰۱).

چهارم: اختلاف به صورتی که نه لفظ و نه معنا تغییری نمی کند مانند: «وَوَطَّحَ مَنْضُودًا» به جای «وَوَطَّحَ مَنْضُودًا» (الواقعة، ۲۹/۵۶).

پنجم: اختلاف به واسطه تقدیم و تأخیر کلمه مانند: «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ» (ق، ۱۹/۵۰) و در جای دیگر: «وَجَاءَتْ سَكْرَتِ الْحَقِّ بِالْمَوْتِ».

ششم: این که اختلاف در حروف کلمه است بدون توجه به اعراب و معنا تغییر می کند. ولی لفظ یکسان است مانند: «وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا» (البقرة، ۲/۲۵۹) و «وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا».

هفتم: اختلاف به واسطه کم و زیادی حروف مانند: «وَمَا عَمِلْتَ أَيَدِيهِمْ» به جای «وَمَا عَمِلْتَهُ أَيَدِيهِمْ» (یس، ۳۶/۳۵).

۲. نظر ابن عبد البر: منظور از احرف سبعة وجوه هفت گانه از معانی مختلف در یک لفظ واحد است. مانند: أقبل، هلم، ... .

۳. ابن حجر خواسته است که بین این دو رای توافق به وجود آورد، و چنین گفته است: جمع بین این دو نظر امکان دارد به این که: تغییر کردن الفاظ همراه با اتفاق معنا در حالی که فقط در ۷ وجه محصور می باشد.<sup>۷</sup>

درباره عوامل پیدایش اختلافات مباحث دیگری مطرح شده است از آن جمله:

۱. رسم الخط مصحف عثمانی از جهت عاری بودن از نقطه و اعراب.
۲. جایز دانستن قرائت به معنا: مانند این مورد که از ابن مسعود روایت شده است که فردی این آیه «إِنَّ شَجْرَةَ الزُّقُومِ طَعَامُ الْيَتِيمِ» (الدخان، ۴۴/۴۳) را بدین صورت قرائت کرد «إِنَّ شَجْرَةَ الزُّقُومِ طَعَامُ الْيَتِيمِ» ابن مسعود به او گفت: آیامی توانی بگویی «طعام الفاجر» مرد گفت: بله، پس ابن مسعود گفت: اینطور بگو.

۳. تناقض بین قراءت: مستشرق گولدزیهر اظهار کرده است که بین قراءت ها تناقض وجود دارد، مانند: این آیه در سوره روم «غلبت الروم» به صورت فعل مجهول و «سیغلبون» به صورت معلوم. بدین صورت در قراءت دوم «غلبت الروم» که به صورت معلوم «سیغلبون» به صورت مجهول.

۴. اقرار بعضی صحابه به وجود لحن - اشتباه - در کتابت مصحف عثمانی: مثلاً ابن عباس در آیه ۲۷ سوره نور «حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا» می خواند «تستاذنوا» به این که کاتب اشتباه کرده است.

۵. مخالفت بعضی قرائت ها با قواعد عربی.<sup>۸</sup> البته این موارد در حد شبهاتی بوده و به هر یک از آنها جواب هایی داده شده است که برای مطالعه بیشتر می توان به کتاب «المدخل الی علم القراءات» مراجعه کرد.

### قراء سبعه

همان طور که سابقاً ذکر شد ابن مجاهد در قرن دوم هجری قرائت ها را در هفت قرائت محصور کرد که به قراء سبعه مشهورند عبارتند از: ۱. نافع بن عبدالرحمن بن ابی نعیم - مدنی -؛ ۲. عبدالله بن کثیر - مکی -؛ ۳. ابوبکر عاصم بن ابی النجود - کوفی -؛ ۴. علی بن حمزه الکسائی - کوفی -؛ ۵. ابو عمرو بن العلاء - بصری -؛ ۶. حمزه بن حبيب الزیات - کوفی -؛ ۷. عبدالله بن عامر الیحصبی - شامی -.

### معرفی مختصر دو قاری عاصم و ابن کثیر

عبدالله بن کثیر الداری، کنیه اش ابا معبد، از تابعین می باشد.<sup>۱۰</sup> امام قرائت شهر مکه است و به آرامش و وقار مشهور بوده است. از صحابه عبدالله بن زبیر و ابو ایوب أنصاری و انس بن مالک را ملاقات کرده است در قرائت از مجاهد، ابن عباس از ابی بن کعب از پیامبر (ص) روایت کرده است. و در سال ۱۲۰ هجری در مکه وفات یافته<sup>۱۱</sup>، و در سماوه در روبروی شام مدفون است.<sup>۱۲</sup>

عاصم بن ابی النجود الأسدی کنیه اش ابابکر از تابعین نسبش به حرث بن حسان می رسد<sup>۱۳</sup>، متولد سال ۴۵ هجری در مکه<sup>۱۴</sup>، وقاری مسلط و دارای صوت نیکوئی بوده است. او از عبدالله بن مسعود و از پیامبر (ص) روایت کرده است. در سال ۱۲۷ یا ۱۲۸

هجری وفات یافته است و ۲ راوی به نام های بزی و قنبل دارد. ۱۵

### تعریف اصول

کلمه اصول؛ یعنی: امور شایع و مکرر. و کلمه فرش؛ یعنی: کلماتی که قاریان در آن اختلاف دارند<sup>۱۶</sup>. اصول دائر در علم قرائت ۳۲ اصل است که عبارتند از: ۱. تسمیة و بسمله، ۲. مد، ۳. المط، ۴. المطل - در مد -، ۵. لین، ۶. قصر، ۷. اعتبار، ۸. تمکین، ۹. اتساع، ۱۰. ادغام، ۱۱. اظهار، ۱۲. بیان، ۱۳. اخفاء، ۱۴. قلب، ۱۵. تسهیل، ۱۶. تخفیف، ۱۷. تشدید، ۱۸. تثقیل، ۱۹. تتمیه، ۲۰. نقل، ۲۱. تحقیق، ۲۲. ارسال، ۲۳. اماله، ۲۴. البطح، ۲۵. الاضجاع، ۲۶. تغلیظ، ۲۷. ترقیق، ۲۸. روم، ۲۹. اشمام، ۳۰. اختلاس، ۳۱. اختلاف، ۳۲. اشباع. ۱۷

### اصول قرائت ابن کثیر:

۱. بسمله: بودن بسمله بین تمام سوره ها.
۲. الممدود: الف: هاء الضمیر؛ این هاء هنگامی که بین ۲ حرف متحرک و ساکن قرار گیرد اگر مضموم باشد به «واو» و اگر مکسور باشد به یاء متصل می کند. همرا با مد کوتاه، چه این که به همزه یا حرف دیگری برسد مثل: عقلوه؛ فیه. ب: میم جمع؛ هنگامی که بعد از آن حرف متحرک باشد یا همزه قطع صله است. مانند «عَلَيْهِمْ عَيْرِ الْمَغْضُوبِ» و «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ» اما اگر ما بعدش حرف ساکن باشد «جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ» مضموم خواهد شد غیر صله. ج: مد متصل واجب؛ آن را ۴ حرکت می دهد و ۳ حرکت هم روایت شده است ولی مختار همان ۴ حرکت است. د: مد جائز منفصل؛ آن را ۲ حرکت می دهد.
۳. اماله: ابن کثیر هیچ کلمه ای را اماله نمی دهد.
۴. یاء متکلم: یاء اضافه اگر بعدش همزه قطع مفتوح باشد، مانند: «إِنِّي أَعْلَمُ» و یا «ال تعریف» باشد مانند «عَهْدِي الظَّالِمِينَ» یاء مفتوح می شود.
۵. یاء های زائده: در این باب اثبات یاء زائده در حالت وصل و وقف است.
۶. وقف بر تاء تانیث: تمام کلماتی که به تاء ختم شده اند چه تاء مربوطه چه مرسوم خطی - یعنی: مطابقت خط با تلفظ -<sup>۱۸</sup> در حالت وقف تبدیل به «هاء» می شود. مانند: «رحمت - رحمة». ۱۹

۷. همزه‌ها: الف: دو همزه در یک کلمه باشند: اگر دو همزه در کنار هم و متحرک باشند همزه دوم تسهیل - ۲۰ یعنی: صرف نظر کردن از همزه در حالت گفتار - شده بین همزه و حرف مد مانند: «ءَأَنْذَرْتَهُمْ». ب: همزه در دو کلمه باشد. اول: وقتی متفق در حرکت باشد و هر دو مفتوح «جَاءَ أُمَّرْتَا» روایت بزی انداختن همزه اولی همراه با قصر و توسط، ولی قصر مقدم است. به خاطر عدم بقاء اثر همزه. اگر هر دو مکسور باشند مثل: «مِنَ السَّمَاءِ إِنُّ» و یا هر دو مضموم مثل: «أولياء أولئك» روایت بزی تسهیل همزه اولی است. همراه با توسط قصر و توسط مقدم است به خاطر وجود اثر همزه. دوم: وقتی دو همزه حرکتشان مختلف باشد فتحه و کسره مثل: «تَقِيَّءَ إِلِيَّ» فتحه و ضمه «جَاءَ أُمَّةً» تسهیل همزه دومی ضمه و فتحه مثل «نَشَاءُ أَصْبَنَاهُمْ» کسره و فتحه مانند «السَّمَاءِ أَوْ» تبدیل کردن همزه دوم به حرف مد هم جنس با همزه ما قبلش. همزه مضموم و مکسور مانند «يَشَاءُ إِلِيَّ» در آن دو وجه است: ۱. تسهیل همزه. ۲. تبدیلیش به واو.

۸. لفظ «صِرَاط» جایی که در قرآن واقع شده است قبل از آن را با «سین» قرائت کرده است ولی بزی با «صاد».

### اصول قرائت امام عاصم:

۱. البسمله: بودن بسملة بین هر دو سوره بجز دو سوره انفال و توبه.
۲. الممدود: اول: هاء ضمیر: و آن ضمیر غائب مضموم یا مکسور است مثل: له - منه - فیه این هاء هنگامی که بین دو حرف متحرک قرار گیرد اگر مضموم باشد به واو و اگر مکسور باشد به یاء متصل می کند همراه با مدّ قصیر به اندازه دو حرکت، اگر حرف بعد از آنها همزه نباشد مانند «إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا» و اگر بعد از آنها همزه قرار گرفته باشد توسط و فوق توسط است - ۴ - ۵ حرکت - ، مانند: «إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمُ». دوم: مدّ واجب متصل: مدّ واجب متصل را چهار حرکت می دهد و در «التيسر في القراءات السبع» بیان شده که پنج حرکت می دهد. سوم: مد جائز منفصل: را چهار یا پنج حرکت می دهد.
۳. اماله: راوی عاصم، حفص فقط یک کلمه را اماله کرده است و آن کلمه «مَجْرَاهَا» اماله؛ یعنی: متمایل کردن فتحه به سوی کسره و الف به سوی یاء. ۲۱
۴. یاء متکلم شعبة راوی عاصم بعضی از یاءها را که حفص راوی دیگرش ساکن کرده فتحه داده است و بعضی را که حفص مفتوح قرار داده شعبة ساکن کرده است.



۵. وقف بر تاء تانیث: اگر آخر کلمه ای تاء مرسوم خط باشد مانند: «رحمت و امرات» وقتی بر آن وقف شود مفتوح می گردد و اگر آخر کلمه ای تاء مربوط «ة» باشد درحالت وقف تبدیل به هاء می گردد. مانند: «رحمة = رحمه».

۶. همزه: اگر دو همزه در یک کلمه باشد حفص راوی عاصم در کلمه «أَعْجَبِي» همزه دوم را تسهیل کرده است. ۲۲  
مقایسه اصول قرائت دو امام:

۱. هر دو امام به بودن بسملة در بین کل سوره‌ها معتقدند به جز این که امام عاصم بین سوره انفال و توبه بسملة قرار نمی دهد. یعنی: سوره توبه دارای بسملة نیست با این حال قرآن در کل ۱۱۴ بسملة دارد. اما باتوجه به قرائت امام ابن کثیر قرآن دارای ۱۱۵ بسملة است.

۲. در قرائت امام ابن کثیر هاء ضمیر بین دو حرف متحرک همیشه به واو یا یاء وصل می شود همراه با مد قصر - دو حرکت - در قرائت امام عاصم هم هاء ضمیر هنگامی که بین دو حرف متحرک باشد به واو یا یاء وصل می شود با مد قصر ولی اگر به حرف همزه برسد مقدار مدّ به توسط یا فوق توسط که عبارت از چهار و پنج است می رسد.

۳. هر دو امام مدّ واجب متصل را چهار حرکت می دهند توسط .

۴. ابن کثیر مدّ منفصل جائز را دو حرکت عاصم چهار یا پنج حرکت می دهد.

۵. امام ابن کثیر هیچ کلمه ای را اماله نمی کند، و امام عاصم فقط یک کلمه را.

۶. در قرائت امام ابن کثیر اگر بعد از یاء متکلم همزه قطع یا «ال» تعریف باشد یاء مفتوح خوانده می شود، اما عاصم بعضی از آنها را مفتوح و بعضی را ساکن خوانده است.

۷. یاء‌های زائد: قاعده کلی هر دو امام در این باب اثبات یاء زایده در حالت وصل و وقف است.

۸. وقف بر تاء تانیث: هر دو امام تمام کلماتی را که آخر آنها تاء مربوطه باشد هنگام وقف به هاء ساکنه تبدیل می کنند، اما امام عاصم اگر بر کلمه ای دارای تاء مرسوم خط باشد و وقف کند آن را مفتوح می کند.

۹. امام ابن کثیره تمام همزه‌هایی را که در کنار هم و متحرک باشد همزه دوم را تسهیل می دهد، اما راوی امام عاصم، حفص فقط یک کلمه را تسهیل می دهد.

## نتیجه گیری

بابرسی اصول قرائت امام عاصم و ابن کثیر می توان به این نتایج رسید:

۱. هر امامی برای خود اصول خاصی دارد.
۲. بعضی از اصول بین دو امام مشترک است و بعضی از اصول بین دو امام مختلف است.
۳. اختلاف قرائتها تسهیل از جانب پروردگار برای مسلمانان است.

- 
۱. البدور الزاهرة فی القراءآت العشر المتواتره «ابن عبد الغنی»/ ۴.
  ۲. پژوهشی در تاریخ قرآن «حجتی»/ ۲۵۰.
  ۳. المدخل إلى علم القراءآت «محمود حوا»/ ۴-۷.
  ۴. دراسات فی علوم القرآن «بکر اسماعیل»/ ۱۰۰.
  ۵. منتديات المكشف «احمد سعد الخطیب»/ ۵.
  ۶. صحیح بخاری، ۱۰۰/۶.
  ۷. معجم القرائات القرآنیة... «احمد مختار عمر، عبدالعال سالم مکرم»/ ۶۷-۶۹.
  ۸. المدخل إلى علم القراءات/ ۱۵-۱۹.
  ۹. السبعة فی القراءآت «ابن مجاهد- تحقیق شوقی ضیف»/ ۱۲۸.
  ۲۱. معجم القرائات القرآنیة «احمد مختار عمر، عبدالعال سالم مکرم»/ ۱۳۶.
  ۱۰. التیسر فی القراءات السبع «أبو عمرو و الدانی»/ ۳.
  ۱۱. اللآلی الحسان فی علوم القرآن «شاهین الاشین»/ ۱۰۳.
  ۱۲. الفوز الکبیر فی الجمع بین قراءتی عاصم و ابن کثیر/ ۵-۶.
  ۱۳. التیسر فی القراءات السبع «أبو عمرو و الدانی»/ ۳.
  ۱۴. الفوز الکبیر فی الجمع بین قراءتی عاصم و ابن کثیر/ ۴.
  ۱۵. اللآلی الحسان فی علوم القرآن/ ۱۰۳.
  ۱۶. الفوز الکبیر فی الجمع بین قراءتی عاصم و ابن کثیر/ ۴.
  ۱۷. القواعد و الاشارات فی اصول القرائات «أبی الرضا الحموی»/ ۴۲-۵۵.
  ۱۸. معجم القرائات القرآنیة... «احمد مختار عمر، عبدالعال سالم مکرم»/ ۱۲۸.
  ۱۹. الفوز الکبیر فی الجمع بین قراءتی عاصم و ابن کثیر/ ۵.
  ۲۰. معجم القرائات القرآنیة/ ۱۲۸.
  ۲۱. معجم القرائات القرآنیة «احمد مختار عمر، عبدالعال سالم مکرم»/ ۱۳۶.
  ۲۲. الفوز الکبیر فی الجمع بین قراءتی عاصم و ابن کثیر/ ۵-۶.